چهل حدیث سیره علوی

<"xml encoding="UTF-8?>

معرفی اجمالی امام علی علیه السلام

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام امام اول شیعیان در روز جمعه 13 رجب سال 30 عام الفیل درون خانه کعبه متولد شد (و جز او کسی در تاریخ بشریت چنین امتیازی ندارد) و در صبحدم روز دو شنبه 21 ماه رمضان 40 هجری در کوفه شهید شد. مرقد منورش در نجف و عمر مبارکش 63 سال است.

پدر بزرگوارش ابوطالب سرپرست و حامی جان نثار پیامبر و مادرش فاطمه بنت اسد. او به تعبیر مورخین اولین هاشمی است که از دو هاشمی متولد شده است در لیلة المبیت‌با خوابیدن به جای پیامبر و فداکردن خود موجب نجات پیامبر شد و صداقت و تسلیم بینظیرش او را به مقام برادری رسول الله صلی الله علیه و آله ممتاز نمود.

ذو الفقارش لبخند شادی و پیروزی را در لحظات حساس بر لبان پیامبر و یارانش مینشاند. و درایت و تقوای بیانتهایش دوست و دشمن را به ستایش واداشت. پس از پیامبر با اعتراف همگان به حقانیت او مدت 25 سال خانه نشین شد و در 5 سال حکومتش نیز ناکثین و قاسطین و مارقین لحظه‌ای او را به حال خود نگذاشتند.

مقدمه

امام سجاد علیه السلام فرمود :

«الا و ان ابغض الناس الی الله من یقتدی بسنة امام و لا یقتدی باعماله» (1) .

هشدار که منفورترین مردم نزد پروردگار، کسی است که شیوه امامی را پیروی کند ولی از سیره عملی او پیروی ننماید.

برای «چگونه بودن» نیاز به الگو داریم و نقش الگو در تربیت چنان روشن است که نیازی به بیان و توضیح نیست. آنچه در این الگوگیری و اسوه‌یابی و تاسی به اخلاق اولیاء الهی کارساز است، آشنایی با جزئیات صفات ورفتار آنان، نه کلیات. خوشبختانه در کتب حدیث و سیره، نمونه‌های رفتاری پیامبر و امامان بصورت ریز و جزئی آمده است که آشنایی با آنها بسیار سودمند است و گامی جهت‌خودسازی و تعالی بخشیدن به جامعه است.

انسان در دید ژرف‌نگر اسلام، بیابانگردی سرگردان و گمگشته‌ای در تاریکزار زندگی نیست. او کشتی شکسته‌ای شوربخت و نا امید و اسیر موجهای بیم‌زا و هراس آفرین نمیباشد.

بلکه موجودی مسؤول است که با مقصد و مقصودی مشخص با زاد و توشه‌ای کامل و راهنمایانی درونی و برونی به سفری پرداخته که از صحرای عدم آغاز میشود و تا بار یافتن به لقاء الهی ادامه دارد.

تمامی نیروهای خلقت، انسان را در این سفر صادقانه یاری میکنند و خداوند با لطف بیکران خویش از راههای گوناگون (به هدایت) پرداخته است و بهترین‌جایگاه جاودانه را در سرای آخرت برای او مهیا کرده است.

انسان برای به دست آوردن نیکبختی خویش و سعادتمندی جامعه و رضایت‌خداوند باید در طول این سفر چگونه زیستن را بیاموزد و این آموزه‌های را در زندگی خویش بکار بگمارد.

اسلام عزیز برای پاسخگویی بدین سؤال بسیار اساسی دو شیوه را دنبال کرده است :

الف: بیان احکام و دستورهای زندگی از آغاز تا فرجام

ب: ارائه الگوهای تربیتی و نمونه های عینی کمال بر اساس همین شیوه دوم در قرآن مجید بارها از پیامبران و دیگر انسانهای والا سخن به میان آمده، و از جنبه های الگویی آنان ستایش شده تا دیگران نیز به آنان تاسی بجویند.

در مکتب حیاتبخش تشیع (اسلام راستین) معرفیاین الگوهای الهی گسترده‌تر است و پیشوایان معصوم که بهترین اسوه‌های و الگوهای زندگیاند فرا روی چشمان باز و دلهای آگاه قرار دارد تا آنانکه مسؤولیت الهی و رسالت انسانی خویش را درك کرده‌اند و تصمیم برای رسیدن به چکادهای فرازمند فضیلت و کمال دارند با درس گرفتن از آنان زیستنی شرافتمندانه که سعادت دنیا و آخرت را تامین میکند در پیش گیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، اسوه بشریت‌اند و تبعیت عملی از آنان رهنمون کمالجویان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

«ادبنی ربی فاحسن تادیبی» (2)

خداوند مرا تادیب کرده و ادبم را نیکو ساخته است.

ویژگی سیره معصومین در این است که مورد پسند و قبول پروردگار است و با اطمینان میتوان از آن پیروی کرد.

اکنون به عنوان نمونه‌ای از دریای مواج و گرانقدر روایات، چهل حدیث از سیره هر یك از معصومین علیهم السلام به پیشگاه امت اسلامی عرضه میشود. امید که همه ما را چراغ راه و رهتوشه سفری باشد برای رسیدن به سعادت دنیا و نیکبختی آخرت.

در این چهل حدیث، از میان انبوه روایات مربوط به سیره امام علی علیه السلام به گزینش پرداخته‌ایم و از آن بوستان باصفا و دل‌انگیز، دسته گلی برای شما چیده و ارمغان آورده‌ایم، باشد که مطالعه آن، چشم دلمان را

روشنتر سازد و رفتار ولی الله اعظم، الگوی زیستن ما شود و رشته جانمان به عشق علوی پیوسته‌تر گردد، تا از این راه به آن «مدار حق و عدالت» نزدیکتر شویم.

فصل اول : همراه با برادر

1- پرورده دامان رسول

و قال علی علیه السلام :«و قد علمتم موضعی من رسول الله بالقرابة القریبة و المنزلة الخصیصة، وضعنی فی حجره و انا ولد یضمنی الی صدره، و یکنفنی الی فراشه، و یمسنی جسده، و یشمنی عرفه، و کان یمضغ الشیىء ثم یلقمنیه، و ما وجد لی کذبة فی قول و لا خطلة فی فعل.»

نهج البلاغه، الخطب : 190

حضرت علی علیه السلام میفرماید :

... شما خود در پیوند با رسول خدا صلی الله علیه و آله، هم بدلیل خویشاوندی و هم به سبب موقعیت ویژه من، جایگاه مرا میشناسید. او مرا از روزگاری که نوزادی بودم در دامن خود مینشاند و بر سینه میچسباند، در بستر خویش میخواباند و بدنش را به بدنم میسایید و از عطر دلپذیرش بهره‌مندم میساخت لقمه را میجوید و در دهانم میگذاشت و هرگز در گفتارم دروغی نشنید و در رفتارم لغزش و سبکسری ندید.

2- محرم راز

قال علی علیه السلام : «کانت لی من رسول الله صلی الله علیه و آله منزلة لم یکن لا حد من الخلائق انی کنت آتیه کل سحر فاسلم علیه.»

«-و فی حدیث- فان کان قائما یصلی سبح بی فکان ذاك اذنه لی و ان لم یکن یصلی اذن لی.»

مسند احمد 1 : 85-77

و عن ابی سعید الخدری قال :

«کانت لعلی من رسول الله صلی الله علیه و آله دخلة لم لا حد الناس.»

انساب الاشراف 2 : 98 ح 25

حضرت علی علیه السلام فرمود :

موقعیتی که من در محضر پیامبر خدا داشتم برای هیچ کس دیگر نبود. من هر روز سحر محضر ایشان میرفتم، بهنگام ورود سلام میدادم و پیامبر خدا اجازه ورود میدادند و اگر هم مشغول نماز بودند با ذکر بلند تسبیح اجازه خود را اظهار مینمودند.

ابن سعید خدری نیز میگوید :

رفت و آمدی که علی با پیامبر خدا داشتبرای هیچ کس دیگر امکان نداشت

3- شیوه آموختن

قال علی علیه السلام : «کنت اذا سالت رسول الله صلی الله علیه و آله اعطانی و اذا سکت ابتدانی.»

المصنف 6 : 368 ح 32061

حضرت علی علیه السلام فرمود :

هرگاه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال میکردم، خواسته‌ام را پاسخ میداد و اگر من سکوت میکردم او خود پیشگام میشد و از دانش خود بهره‌مندم میساخت.

4- قرآن شناس

قال علی علیه السلام : «و الله ما نزلت آیة الا و قد علمت فیما نزلت و این نزلت، ان ربی وهب لی قلبا عقولا و لسانا سؤلا.»

انساب الاشراف 2 : 98 ح 27

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

بخدا سوگند آیه‌ای از قرآن کریم نازل نشده است مگر اینکه من میدانم در چه موضوعی و در کجا نازل شده است، زیرا پروردگارم به من دلی اندیشمند-ژرف اندیش-و زبانی پرسشگر عنایت کرده است.

5- در رکاب نور

عن بریدة الاسلمی قال : «کنا اذا سافرنا مع النبی صلی الله علیه و آله کان علی علیه السلام صاحب متاعه یضمه

الیه فاذا نزلنا یتعاهد متاعه فان رای شیا یرمه رمة، و ان کانت نعل خصفها.»

بحار الانوار 37 : 303

بریده اسلمی گوید :

هرگاه که با پیامبر صلی الله علیه و آله به سفر میرفتیم، علی علیه السلام مسؤول توشه و بار پیامبر بود، آنها را از خودش‌جدا نمیکرد، و هنگامی که در جایی منزل میکردیم توشه و اثاث پیامبر را وارسی نموده و اگر نیاز به ترمیم و اصلاح داشت اصلاح میکرد و اگر کفش و نعلین پیامبر نیاز به تعمیر و دوخت داشت آن را انجام میداد.

6- پاسدار پیامبر

قال موسی بن سلمة : سئلت جعفر بن عبد الله بن الحسین عن اسطوان علی بن ابی طالب فقال : «ان هذه المحرس، کان علی بن ابی طالب علیه السلام یجلس فی صفحتها التی تلی القبر مما یلی باب رسول الله صلی الله علیه و آله یحرس النبی صلی الله علیه و آله.»

وفاء الوفاء 2 : 448

موسی بن سلمه میگوید :

از جعفر بن عبد الله در مورد یکی از ستون‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله که منسوب به حضرت علی علیه السلام است پرسیدم، در پاسخ گفت :

این همان ستون محرس است که حضرت علی بر پای آن از جانب قبر که در منزل پیامبر بوده مینشست و از پیامبر پاسداری مینمود.

7- صداقت و امانت

عن ابی کهمس قال :

قلت لابی عبد الله علیه السلام : عبد الله بن ابی یعفور یقرءك السلام!

قال : علیك و علیه السلام اذا اتیت عبد الله فاقرءة السلام و قل له :

ان جعفر بن محمد یقول لك : «انظر ما بلغ به علی علیه السلام عند رسول الله صلی الله علیه و آله فالزمه فان علیا علیه السلام انما بلغ ما بلغ به عند رسول الله صلی الله علیه و آله بصدق الحدیث و اداء الامانة.»

الکافی 2 : 104 ح 5

ابی کهمس گوید :

به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : عبد الله بن ابی یعفور بر شما درود فرستاد.

حضرت فرمود : بر تو و بر او درود باد، وقتی پیش او رفتی سلام مرا به او برسان و بگو :

جعفر بن محمد میگفت : نیك بنگر هر آن ویژگی که باعث‌شد تا علی علیه السلام به آن مقام بلند نزد پیامبر خدا

برسد. خود را ملازم آن خصلت نما. و یقین بدان هر مقامی که علی نزد پیامبر یافت تنها و تنها به خاطر راستگویی و امانتداری بود.

8- فدایی پیامبر

عن الصادق علیه السلام : «... و الله ما اکل علی بن ابی طالب علیه السلام من الدنیا حراما قط حتی مضی لسبیله و ما عرض له امران کلاهما لله رضا الا اخذ باشدهما علیه فی بدنه-دینه-و ما نزلتبرسول الله صلی الله علیه و آله نازلة قط الا دعاه ثقة به و ما اطاق احد عمل رسول الله صلی الله علیه و آله من هذه الامة غیره و ان کان لیعمل عمل رجل کان وجهه بین الجنة و النار یرجو ثواب هذه و یخاف عقاب هذه.»

الارشاد : 255

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

به خدا سوگند علی بن ابی طالب علیه السلام تا روزی که از این دنیا رفت مال حرامی نخورد و هیچگاه بر سر دو راهی-که هر دو راه مورد خشنودی خدا باشد-قرار نگرفت مگر اینکه پر زحمت‌ترین آنها را برگزید و هر حادثه مهمی که برای پیامبر خدا پیش میآمد -به دلیل اعتمادی که به علی داشت- از او کمك میگرفت. و در میان این امت هیچ کس نتوانست همانند علی علیه السلام: راه پیامبر را -بی کم و کاست- طی کند و با این همه تلاش و کوشش همواره چون بیمناکان کار میکرد، چشمی به بهشت و چشم دیگر بر آتش داشت، از سویی امیدوار پاداش بهشت و از سوی دیگر هراسناك از کیفر آتش بود.

فصل دوم : در صحنه سیاست

9- پشتیبان مظلومان

و قال علیه السلام : «... لم یکن لاحد فی مهمز و لا لقائل فی مغمز، الذلیل عندی عزیز حتی اخذ الحق له، و القوی عندی ضعیف حتی اخذ الحق منه. رضینا عن الله قضاءه و سلمنا لله امره.»

نهج البلاغة، الخطب : 37

حضرت علی علیه السلام فرمود :
در تمامی زندگی من، نقطه سیاهی نیست تاعیب‌جویان و اشاره کنندگان با چشم و ابرو و اشاره کنند و سخنی گویند. خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بستانم و نیرومند نزد من ناتوان است تا حق دیگران را از او بازگیرم. ما با تمام وجود به قضای الهی خشنود و در برابر فرمانش تسلیم هستیم.

10- مبارزه مکتبی

و قال علیه السلام : «اما و الله ان کنت لفی ساقتها حتی تولت‌بحذا فیرها، ما ضعفت و لا جبنت و ان مسیری هذا لمثلها، فلانقبن الباطل حتی یخرج الحق من جنبه. مالی و لقریش؟ و الله لقد قاتلتهم کافرین و لاقاتلنهم مفتونین و انی لصاحبهم بالامس کما انا صاحبهم الیوم.»
نهج البلاغة، الخطب : 33
به خدا سوگند، من همواره در زمره پیشتازان این حرکت‌بودم تا روزی که جبهه دشمن تار و مار شد و جاهلیت از صحنه بیرون رفت، بی آنکه کم‌ترین ضعف یا ترسی داشته باشم و امروز نیز در همان راستا قدم بر میدارم و تصمیم دارم باطل را بشکافم تا حق از پهلوی آن بیرون آید.
مرا با قریش چه کار؟ که دیروز در موضع کفر بودند و با آنان جنگیدم و امروز نیز که گرفتار فتنه و انحراف شده‌اند به پیکارشان خواهم خاست. من همانگونه که دیروز با آنان برخورد کردم امروز نیز همانم.

11- گناه سازش ناپذیری

قالت فاطمه علیها السلام : ... ما الذی نقموا من ابی حسن؟ !
«نقموا -و الله- منه شدة و طاته و نکال وقعته و نکیر سیفه-و قلة مبالاته لحتفه-و تبحره فی کتاب الله و تنمره فی ذات الله.»
دلائل الامامة : 125، الاحتجاج 1 : 147
حضرت زهرا علیها السلام فرمود :
اینان -کارگردانان سقیفه- چه عیبی از ابو الحسن گرفتند؟ !که او را برای رهبری جامعه اسلامی صالح ندیدند!- بخدا سوگند عیب او را بر خورد سخت-و بدون مسامحه و سهل انگاری در برابر حق-و مرگبار بودن رویارویی با او و شمشیر بران و بیاعتنایی به مرگ و آگاهی گسترده نسبت‌به کتاب خدا و گردن فرازی در راه خدا دانسته‌اند.

12- بصیرت، چراغ راه

و قال علیه السلام : «الا و ان الشیطان قد جمع حزبه و استجلب خیله و رجله، و ان معی لبصیرتی، ما لبست علی نفسی و لا لبس علی.»

نهج البلاغة، الخطب : 10

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

آگاه باشید که اینك شیطان هواداران خود را گرد آورده، نیروهای سواره و پیاده اش را فرا خوانده است. در صورتی که بینش من همواره همراه من بوده و هرگز حقایق را بر خود مشتبه نساخته‌ام و حقیقت نیز بر من مشتبه نشان داده نشده است-نه خود را فریب داده‌ام و نه فریب خورده‌ام-.

13- عدالت اجتماعی

و قال علیه السلام : «-لما عوتب علی التسویة فی العطاء- اتامرونی ان اطلب النصر بالجور فیمن ولیت علیه؟ !و الله ما اطور به ما سمر سمیر و ما ام نجم فی السماء نجما، لو کان المال لی لسویت‌بینهم فکیف و انما المال مال الله.»

نهج البلاغة، الخطب : 124. آنگاه که حضرت امیر علیه السلام بدلیل رعایت مساوات در تقسیم بیت المال مورد عتاب قرار گرفت فرمود :

آیا به من امر میکنید و اصرار میورزید تا پیروزی را به بهای ستم بر کسانی که سؤولیت‌سرپرستی آنها بر دوشم نهاده شده است‌بدست آورم؟ !

به خدا سوگند که تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان در پی هم حرکت میکنند، چنین کار ناروایی نخواهم کرد. اگر این مال ثروت شخصی من بود در تقسیم آن مساوات را رعایت میکردم، چه رسد به اینکه مال، مال الله است.

14- جنگاور بی باک

قال علیه السلام : «... و من العجب بعثهم الی ان ابرز للطعان و ان اصبر للجلاد، هبلتهم الهبول!لقد کنت و ما اهدد بالحرب و لا ارهب بالضرب و انی لعلی یقین من ربی و فی غیر شبهة من دینی.»

نهج البلاغة، الخطب : 22

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

... و از شگفتیهای زمانه این است که-شامیان-به‌من پیام داده‌اند که خود را برای مقابله با سرنیزه‌ها آماده کنم و

برای ضربه‌های شمشیر شکیبا باشم، مادران گریان بسوگشان بنشینند! تاکنون کسی مرا با دعوت به جنگ تهدید نکرده است و از زخمهای نیزه و شمشیر هراسی نداشتم، چرا که بر یقین به پروردگارم تکیه دادم و دینم را زنگار شبهه نیالوده است.

15- شیوه نبرد

«... و عرفوا قتلاه -قتلی علی علیه السلام فی لیلة الهریر- بضرباته التی کانت علی و تیرة واحدة، ان ضرب طولا قد و ان ضرب عرضا قط و کانت کانها مکواة.»

ارشاد القلوب : 248

و فی روایة : کانت لعلی علیه السلام : «ضربتان : اذا تطاول قد و اذا تقاصر قط. قالوا : و کانت ضرباته ابکارا اذا اعتلی قد و اذا اعترض قط.»

المناقب 2 : 83

در صبحگاه لیلة الهریر (3) کشته شدگان به دست حضرت امیر علیه السلام را از نحوه ضربت‌های حضرت باز میشناختند، زیرا ضربت‌ها همه یکنواخت بود. اگر شمشیر را از بالا فرود میآورد دو نیم میکرد و اگر از پهلو میزد قطع میکرد. و محل ضربه شمشیر گویی با آهن گداخته داغ شده بود.

و گفته‌ا ند :

همه ضربت‌های علی علیه السلام همین دو نوع بوده وقتی از حریف بلندتر قرار میگرفت از بالا میزد و دو نیم میکرد و هنگامی که برابر بود از پهلو میزد و قطع مینمود و گفته‌اند : بر حریف خود بیش از یك ضربه نمیزد.

فصل سوم : همگام با مردم

16- یاور درماندگان

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : «یا علی ان الله جعلك تحب المساکین و ترضی بهم اتباعا و یرضون بك اماما.»

كشف اليقين : 310 ح 365

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود :

یا علی، خدای متعال تو را چنین قرار داده که بینوایان را دوست میداری و آنان را به عنوان پیروان خویش بپسندی و آنان هم تو را به پیشوایی و امامت بپسندند.

17- پیشتاز عمل

قال علی علیه السلام : «ایها الناس!انی و الله ما احثکم علی طاعة الا و اسبقکم الیها و لا انهاکم عن معصیة الا و اتناهی قبلکم عنها.»

نهج البلاغة، الخطب : 173

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

ای مردم! بخدا سوگند من هرگز شما را به هیچ طاعتی فرا نمیخوانم مگر آنکه خود بر شما-در عمل به آن -پیشی میجویم و از هیچ گناهی بازتان نمیدارم و نهی نمیکنم- مگر آنکه پیش از شما، خود را از عمل به آن باز میدارم.

18- عظمت در سادگی

دخل ضرار بن ضمرة الکنانی علی معاویة فقال له : صف لی علیا، فقال او تعفيني ... ؟ قال : لا اعفيك، قال : اذ لا بد فانه :

«کان و الله بعید المدی شدید القوی یقول فصلا و یحکم عدلا ینفجر العلم من جوانبه و تنطق الحکمة من نواحیه یستوحش من الدنیا و زهرتها و یستانس باللیل و ظلمته کان و الله غزیر البصیرة طویل الفکرة ... یعجبه من اللباس ما قصر و من الطعام ما جشب کان و الله کاحدنا یدنینا اذا اتیناه و یجیبنا اذا سالناه و کان مع تقربه الینا و قربه منا لا نکلمه هیبة له.»

حلیة الاولیاء 1 : 84

ضرار بن ضمره یکی از اصحاب ویژه حضرت امیر علیه السلام :

بر معاویه وارد شد، معاویه گفت : علی را برای من توصیف کن. ضرار با اصرار معاویه لب به سخن گشود و گفت : بخدا سوگند او دست نایافتنی و دور از دسترس و دارای نیروهای پر توان بود. سخنانی روشنگر میگفت و به عدل حکم میراند، از هر سوی او علم میجوشید و از تمامی رفتار او حکمت میتراوید از دنیا و زیورهای آن وحشت داشت و به شب زنده‌داری و خلوت شب انس میورزید. بخدا سوگند او دارای بصیرتی فراوان و اندیشه هایی بلند بود. لباس کوتاه و طعام خشك و بینان خورش را -که نشانه تواضع و فقر بود- دوست میداشت.

بخدا سوگند چونان یکی از خود ما بود، هرگاه نزد او میرفتیم ما را به نزدیك خود فرا میخواند و خواسته های ما را پاسخ میگفت و با این همه مهرورزی و اظهار نزدیکی و یگانگی به دلیل هیبتی که داشت جرات گفتگو با او را

نداشتیم.

19- در بازار

قال زاذان :«انه کان علیه السلام یمشی فی الاسواق وحده و هو ذاك یرشد الضال و یعین الضعیف و یمر بالبیاع و البقال فیفتح علیه القران و یقرء : تلك الدار الاخرة نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقین.» (4)

المناقب 2 : 104

زاذان میگوید :

حضرت امیر المؤمنین به تنهایی در بازار میگشت و گمشده را راهنمایی و ناتوان را کمك میکرد و بهنگام عبور از پیش فروشندگان و کسبه، قرآن کریم را در برابر آنها میگشود و این آیه را برای آنها میخواند «خانه آخرت -سعادت ابدی- را برای کسانی قرار دادیم که قصد سرکشی و فساد در زمین ندارند و عاقبت-نیك-تنها از آن پرهیزکاران است» .

20- بیزاری از ستم

قال علیه السلام : «و الله لو اعطیت الاقالیم السبعة بما تحت افلاکها علی ان اعصی الله فی نملة اسلبها جلب شعیرة ما فعلت، و ان دنیاکم عندی لاهون من ورقة فی فم جرادة تقضمها، ما لعلی و نعیم یفنی و لذة لا تبقی!»

نهج البلاغة، الخطب : 222

حضرت علی علیه السلام فرمود :

بخدا سوگند اگر اقلیمهای هفت‌گانه زمین را با هر چه در زیر آسمان آنها است‌به من دهند تا خدا را در حد گرفتن پوست جوی از دهان موری نافرمانی کنم، نخواهم کرد. چرا که این دنیای شما در نزد من از برگ نیم جویده‌ای در دهان ملخی ناچیزتر است. علی را با نعمتهای فناپذیر و لذت‌های گذرا و ناپایدار چه کار!

21- الگوی زمامداری

قال علی علیه السلام : «الا و ان امامکم قد اکتفی من دنیاه بطمریه و من طعمه بقرصیه، ... فو الله ما کنزت من دنیاکم تبرا و لا ادخرت من غنائمها و فرا، و لا اعددت لبالی ثوبی طمرا، و لا حزت من ارضها شبرا.»

نهج البلاغة، الکتب : 45

حضرت علی علیه السلام فرمود :
بدانید و آگاه باشید که پیشوای شما از دنیای خود به دو پاره تن پوش و از خوردنیهایش به دو قرص نان بسنده کرد ... و خدای را سوگند که از دنیایتان نه زری اندوخته‌ام و نه از غنائمش ثروتی انباشته‌ام و حتی برای کهن جامه خود تن پوش دیگری و یا از سرزمین‌های شما یك وجب در اختیار نگرفته‌ام.

22- همدری با مردم

و قال علیه السلام : «... هیهات ان یغلبنی هوای و یقودنی جشعی الی تخیر الاطعمة و لعل بالحجاز او الیمامة من لا طمع له فی القرص و لا عهد له بالشبع او ابیت مبطانا و حولی بطون غرثی و اکباد حری.»
نهج البلاغه، الکتب : 45
حضرت علی علیه السلام فرمود :
هیهات که هو و هوسم بر من چیره شود و شکمبارگی به گزینش طعام‌های لذیذ وادارم نماید، در حالی که چه بسا در یمامه و یا حجاز کسانی باشند که امید دستیابی به قرص نانی نداشته و خاطره‌ای از سیری ندارند و هرگز مباد که من با شکم پر بخوابم در حالی که شاید پیرامون من شکمهای به پشت چسبیده و جگرهای سوخته باشد.

فصل چهارم : در صحنه زندگی

23- همسان با پیامبر

سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول : «کان امیر المؤمنین علیه السلام اشبه الناس طعمة برسول الله صلی الله علیه و آله کان یاکل الخبز و الخل و الزیت و یطعم الناس الخبز و اللحم.»
الکافی 6 : 328
حضرت صادق علیه السلام فرمود :
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در نوع غذا شبیه‌ترین افراد به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. او خود نان

و سرکه و روغن زیتون میخورد و به مردم -مهمانان خود- نان و گوشت میداد.

24- سفره سبز

قال ابو عبدالله : «یا حنان! اما علمت ان امیر المؤمنین علیه السلام لم یؤت بطبق الا و علیه بقل؟ قلت : و لم جعلت فداك؟ فقال : لان قلوب المؤمنین خضرة و هی تحن الی اشکالها.»

الکافی 6 : 362

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

ای حنان! آیا نشنیده‌ای که برای امیر المؤمنین علیه السلام سفره طعامی آورده نمیشد مگر اینکه سبزی بهمراه داشت؟

حنان میگوید :

گفتم : چرا چنین بود فدایت‌شوم؟

فرمود : زیرا دل مومنان همواره سر سبز است و به همرنگ خود گرایش دارد.

25- کشاورزی

قال الصادق علیه السلام :

«کان امیر المؤمنین صلوات الله علیه یضرب بالمر و یستخرج الارضین.»

الکافی 5 : 74

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بیل میزد و زمینهای بایر را آماده زراعت مینمود.

26- نخل امید

قال ابو عبد الله علیه السلام :

«ان امیر المؤمنین علیه السلام کان یخرج و معه احمال النوی فیقال له : یا ابا الحسن ما هذا معك؟

فیقول : نخل ان شاء الله.

فیغرسه فلم یغادر منه واحدة.»

الکافی 5 : 75

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود :

گاهی امیر المؤمنین علیه السلام به سوی صحرا میرفتو همراه خود باری از هسته خرما میبرد، به حضرتش گفته میشد : این چیست که بهمراه داری؟

میفرمود : هر دانه از اینها یك نخل است انشاء الله.

آنگاه میرفت و همه آنها را میکاشت و دانه‌ای از آنها رد نمیخورد.

27- ساده زیستی

قال علیه السلام :

«و الله لقد رقعت مدرعتی هذه حتی استحییت من راقعها، و لقد قال لی قائل : الا تنبذها عنك؟ فقلت اعزب عنی، فعند الصباح یحمد القوم السری.»

نهج البلاغه، الخطب : 158

حضرت علی علیه السلام فرمود :

به خدا سوگند تن پوش خود را چندان وصله‌کرده‌ام که از وصله کننده‌اش شرم دارم. روزی گوینده‌ای به من گفت : آیا زمان دور افکندن آن فرا نرسیده است؟ و من گفتم : دور شو، که بامدادان فردا، شب روان را ستایش کنند.

پیرهن از رخ وصال خجل کفن از گریه غسال خجل شب روان مست ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی شهریار

28- پرهیز از تکلف

قال الصادق علیه السلام :

«-کان علی علیه السلام- یمشی فی نعل واحدة و یصلح الاخری لا یری بذلك باسا.»

الکافی 6 : 468

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

امیر المؤمنین علیه السلام با یك لنگه نعلین راه میرفت و لنگه دیگر را تعمیر میکرد و مانعی در این کار نمیدید.

29- بیاد مرگ

و عن علی علیه السلام : «انه کان اذا مر بالقبور قال : السلام علیکم یا اهل الدار فانا بکم لا حقون. ثلاث مرات.»

دعائم الاسلام 1 : 239

هرگاه که حضرت علی علیه السلام بر گورستان گذر میکرد سه بار میگفت :

درود بر شماهایی که در این خانه ساکنید. ما نیز بیگمان به شما خواهیم پیوست.

فصل پنجم : آینه حق

30- فهرست فضائل

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی تقواه و الی ابراهیم فی حلمه و الی موسی فی هیبته و الی عیسی فی عبادته فلینظر الی علی بن ابی طالب علیهم السلام.»

ارشاد القلوب : 217

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

هر که میخواهد به آدم و علم او و نوح و تقوای او و ابراهیم و دور اندیشی-بردباری-او و موسی و هیبت او و عیسی و عبادت او بنگرد، به علی بن ابی طالب بنگرد.

31- سیمای مردان

و قیل : «کان -علی علیه السلام- کانما کسر ثم جبر، لا یغیر شیبه، خفیف المشی، ضحوك السن.»

اسد الغابة 4 : 123

میگویند :

علی علیه السلام همانند آن بود که گویی شکسته و مجددا ترمیم شده باشد-چهره‌ای درهم تکیده داشت و یادآور مشکلاتی بود که تحمل نموده و تجربه اندوخته بود-آن حضرت موی سپید خود را رنگ نمیزد، سبکبال و بی تکلف راه میرفت و همواره لبخند بر لب داشت.

32- پیمان با فرشتگان

قال الصادق علیه السلام : «ان علیا علیه السلام کان اذا اصبح یقول : مرحبا بکما من ملکین حفیظین املی علیکما ما تحبان ان شاء الله فلا یزال فی التسبیح و التهلیل حتی تطلع الشمس و کذلك بعد العصر حتی تغرب الشمس.»

بحار الانوار 84 : 267 ح 38

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر بامداد-در خطاب به دو فرشته نویسنده اعمال-میفرمود : مرحبا بر شما دو فرشته بزرگوار و یاد داشت کننده اعمال-به خواستخدا امروز نیز-آنچه دوست دارید بر شما املا خواهم کرد، و به دنبال این تعهد به ذکر : «سبحان الله و لا اله الا الله» مشغول میشد تا خورشید طلوع میکرد. و هنگام عصر نیز تا غروب آفتاب، به همان ذکرها میپرداخت.

33- نماز، امانت الهی

فی تفسیر القشیری : «انه کان علیه السلام اذا حضره وقت الصلاة تلون و تزلزل فقیل له : مالك؟ فیقول : جاء وقت امانة عرضها الله تعالی علی السماوات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و حملها الانسان.» (5)

المناقب 2 : 124

در تفسیر قشیری آمده است :

هرگاه وقت ادای نماز میرسید، رنگ چهره امیر المؤمنین علیه السلام تغییر مییافت و بر خود میلرزید. وقتی به او میگفتند : این چه حالت است؟ میفرمود : هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه شد و آنها از حمل آن سرباز زدند و انسان این باز امانت را بر داشت.

34- اخلاص در عبادت

قال الصادق علیه السلام : «کان امیر المؤمنین علیه السلام اذا توضا لم یدع احدا یصب علیه الماء قال : لا احب ان اشرك فی صلاتی احدا.»

علل الشرایع 1 : 323

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام : بهنگام وضو گرفتن اجازه نمیداد کسی برایش آب بریزد و میفرمود : دوست ندارم در نمازم به درگاه خدا کسی را شریك قرار دهم.

35- بهداشت فردی

قال ابو عبد الله علیه السلام : «کانت لامیر المؤمنین علیه السلام خرقة یمسح بها وجهه اذا توضا للصلاة ثم یعلقها علی و ید و لا یمسها غیره.»

المحاسن 2 : 207 ح 1618

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را پارچه‌ای-دستمالی-بود که بهنگام وضو صورت خود را با آن خشك میکرد و سپس آن را بر میخی میآویخت و جز خود حضرت کسی به آن دست نمیزد.

36- نماز خانه

قال الصادق علیه السلام : «کان علی علیه السلام قد جعل بیتا فی داره لیس بالصغیر و لا بالکبیر لصلاته و کان اذا کان اللیل ذهب معه بصبی لیبیت معه فیصلی فیه.»

المحاسن 2 : 452 ح 2557

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در خانه خود اتاقی را که نه کوچك بود و نه بزرگ، اختصاص به نماز خود داده و هر شب کودکی را برای خوابیدن بهمراه خود میبرد و در همانجا نمازهایش را میخواند.

37- نقش نگین

قال عبد خیر : «کان لعلی علیه السلام اربعة خواتیم یتختم بها : یاقوت لنبله، و فیروزج لنصرته، و الحدید الصینی لقوته، و عقیق لحرزه -و کان نقش الیاقوت : لا اله الا الله الملك الحق المبین، و نقش الفیروزج : الله الملك الحق، و نقش الحدید الصینی : العزة لله جمیعا، و نقش العقیق ثلاثة اسطر : ما شاء الله، لا قوة الا بالله، استغفر الله.»

الخصال : 199

عبد خیر میگوید :

علی علیه السلام چهار انگشتر داشتند که به دست میکردند : یاقوتی برای نجابت و بزرگی-فرزانگی-و فیروزه برای پیروزی و حدید چینی برای نیرومندی و عقیق را نیز برای محافظت. نقش نگین یاقوت : «لا اله الا الله الملك الحق

المبين» و نقش فيروزه : «الله الملك الحق» و نقش حديد : «العزة لله جميعا» و در نگين عقيق سه سطر نقش بسته بود : «ماشاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله»

38- در پناه نماز

قال ابو عبد الله عليه السلام : «كان على عليه السلام اذا هاله شيىء فزع الى الصلاة. ثم تلا هذه الاية : و استعينوا بالصبر و الصلاة ...» (6)

الكافى 3 : 480

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

هرگاه حضرت امير از موضوعى نگران و هراسناك ميشد به نماز پناه ميبرد. سپس حضرت صادق عليه السلام اين آيه را خواند : «از شكيبايى و نماز يارى بجوييد ... » .

39- هزار ركعت

قال ابو عبد الله عليه السلام : «... ان عليا عليه السلام فى آخر عمره كان يصلى فى كل يوم و ليلة الف ركعة.»

الكافى 4 : 154

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

حضرت امير المؤمنين عليه السلام در آخر عمر خود شبانه روز هزار ركعت نماز ميخواند.

40- جوينده رضاى حق

عن ابن عباس : «كان على عليه السلام يتبع فى جميع امره مرضاة الله و لذلك سمى المرتضى.»

المناقب 3 : 110

ابن عباس ميگويد : على عليه السلام در تمامى كارهاى خود همواره در پى رضايت الهى بود و به همين جهت «مرتضى» ناميده شد.

پي نوشت ها :

1- الکافی، 8 : 234، ح 312.

2- میزان الحکمه، ج 1 ص 78.

3- یکی از حمله‌های نبرد صفین که حدود 24 ساعت درگیری ادامه داشت، و شب آن واقعه، لیلة الهریر نام گرفته است.

4- القصص/83.

5- الاحزاب/72.

6- البقره/42.